

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه - کابل

۱۳ اگست ۲۰۱۹



اشک دردی را دوا نمی‌کند

"عبدالحی مطمئن"، سخنگوی سابق طالبان در کتابش نوشته است که "ملا عمر" آدم بسیار عاطفی تشریف داشت و به اصطلاح گوشه‌های آستینش همیشه از اشک تر بود. در صفحه ۸۳ کتابش نوشته است: "او به گونه شگفت انگیزی عاطفی و شخص مهربان بود و به داستان‌های مظلومیت دیگران بسیار زود می‌گریست." بعد قصه می‌کند که یک شب در دوران امارتش به‌خاطر تلاش برای نجات چوچه پشک از سرما، بی‌خوابی کشیده بود و فردا با چشمان سرخ به کار آمده بود.

این متن را دیروز خواندم و به یاد اشک‌های "ام‌الله صالح" افتادم، و اشک‌های "قسیم فهیم" و "حامد کرزی" و دیگران. این اشک‌ها چه دردی را دوا می‌کند؟ هیچ.

اگر فرض کنیم که عواطف ملا عمر و حامد کرزی و صالح و دیگران ظریف و حساس (بوده) است و هیچ‌گاه از سر مصلحت اشک نریخته‌اند، باز هم سنگینی تیر و بم و راکت و دره و قاچاق و فساد اینان را نمی‌توان فراموش کرد. معیار خوبی و زشتی سیاست کلمات و چهره و شیوه مانده‌نباشی سیاست‌مدار نیست، بلکه عمل‌شان است. "صالحی" که برای مهاجر استخوانی گریه می‌کند، در استخوانی کردن کابلی‌های دهه هفتاد و بعد از آن چه نقش داشت؟ او چند بار به کوچه‌های کابل فیر کرده بود یا دستور فیر داده بود تا تعدادی از گرسنگان بمیرند و تعدادی به شیراز و پشاور هجرت کنند؟ "صالحی" که از شنیدن خطای ۶۰۰ متری اسلحه احساساتی شده می‌گوید ما در افغانستان هدف یک کیلومتری نداریم، هنگامی که ده‌ها کیلومتر مربع شهر کابل هدف بود و همه از هرسو به هرجائی که دوست داشتند راکت و بم و تیر فیر می‌کردند، کجا بود و در کدام تیم؟

"ملا عمری" که آن شب برای نجات چوچه پشک از سرما بی‌خوابی می‌کشید در کشتار مزار، یکاوانگ و آتش زدن شمالی چه نقشی داشت؟ آیا برای کودکان شمالی که در کوچه‌های کابل بدون سرپرست و سرپناه ناله می‌کردند نیز اشک ریخته بود؟ برای دخترانی که به پاکستان قاچاق می‌شدند بی‌خوابی کشیده بود؟ اشک سیاستمداران دوا نیست بلکه هوش سیاسی و جبهه مردمی‌شان را باید معیار دانست.